

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال شانزدهم  
شماره ۱۹۰ دی ماه ۱۳۹۴ - ژانویه ۲۰۱۶

## نقاب حمایت از محیط زیست یک ابزار نوین استعمار امپریالیستی

در ایام قدیم وقتی یک حادثه طبیعی به وقوع می پیوست رهبران دینی فعال می شدند و دستورالعمل صادر می کردند. وقتی خسوف و کسوف پدید می آمد؛ رهبران دینی در ایران؛ مردم را فرامی خواندند که به بام ها روند و بر فلز مس بکوبند تا این بلای طبیعی بر طرف شود. شگفت اینکه!! خورشید و ماه و زمین حرکت می کردند این دعا بر آورده می شد. حتی برای رفع خشکسالی و طلب ریزش باران به مناجات دست می زدند و حیوانات و یا دختران خود را قربانی نموده و رهبران مذهبی این اقدامات را واجب می دانستند. به مناسبت کنفرانس حفظ محیط زیست در پاریس پاپ اعظم بیانیه ای منتشر کرد که در آن؛ از حاضران در این کنفرانس خواست "به ندای بندگان خدا توجه کنند" و از اسقفها خواست که در نیایشهای خویش از این اقدامات در حرف و عمل حمایت نمایند و واژه "جهانوندان محیط زیست" را به کار بست و از خدا خواست که: "به دولتمردان حاکم یک گوش شنوا عطا کند؛ تا شکایت کره ارض و ناله دردمندان را بشنود". امپریالیستها نیز این سخنان پاپ اعظم را به گوش گرفتند و معرکه گردانی کردند.

کنفرانس پاریس که به رهبری و تدارک ممالک امپریالیستی برگزار شد هدفش نجات کره زمین و یا حفظ جان انسانها از بلایای خود ساخته تحمیل کرده به طبیعت نبود و نیست. حفظ محیط زیست با ماهیت نظام هرج و مرج طلب و مصرفی و منفعت طلب سرمایه داری ... ادامه در صفحه ۲

## ریشه های پناهندگی در استعمار نوین است در توسعه مناطق نفوذ، نقض حقوق ملل، تجاوز و جنگ

ما در نوشتارهای قبلی نشان دادیم که تجاوز به کشورها و توسعه مناطق نفوذ امپریالیستها برای ایجاد رژیمهای دست نشانده و کسب بازار و مواد اولیه و سرکوب مبارزات مردم از علل گوناگونی است که موجب ایجاد سیل آوارگان و پناهندگان در سراسر جهان می شود. در کشور زیمباوه استعمارگران تلاش کردند در زمینهای سفید پوستان که تا دیروز همدست استعمار بودند، ولی زیمباوه به آنها این بخت مجدد را داده بود که در زیمباوه ماندگار شده مشروط بر اینکه دانش کشاورزی خویش را به کشاورزان کشورشان منتقل کنند، تنها محصولاتی را کشت دهند که برای فروش در بازارهای اروپائی سود آور باشد. مردم زیمباوه باید گرسنگی بکشند و محصول کشاورزی برای سیر کردن شکم آنها در بازار وجود نداشته باشد، ولی سفید پوستان همدست استعمار حق داشته باشند آزادانه نیاز کنسرنهای اروپائی را برآورده کنند. دولت زیمباوه در مقابل این قلدری کنسرنها مقاومت کرد، پاره ای از استعمارگران را سرکوب کرد و به پاره ای از آنان لجام زد. از آن تاریخ رهبران حزب حاکم در زیمباوه به بزرگترین جنایتکاران تاریخ به مشتی مستبد و رشوه خوار و فاسد بدل شدند. رسانه های گروهی دروغپرداز امپریالیستی افکار عمومی را هدایت کردند و تصاویر معیوب از زیمباوه ارائه نمودند. این سیاستی است که امپریالیسم در سراسر جهان در پیش گرفته و شرایط حداقل زیست انسانی را در پای منافع حداکثر و غارتگرانه خویش قربانی می کند.

نمونه دیگر کشورهای موزامبیک، مالاوی و اتیوپی می باشند که به علت محدودیت های گمرکی که در اروپا برای واردات شکر وضع شد، تنها در سال ۲۰۰۱، ۲۳۸ میلیون دلار زیان دیدند.

می بینیم که تنها پرداخت یارانه در کشورهای غنی باعث نابودی کشاورزی در کشورهای فقیر نمی شود، بلکه ایجاد موانع تجاری در کشورهای غنی نیز یکی دیگر از دلایل نابودی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به شمار می آید.

سازمان جهانی توسعه (Oxfam) در سال ۲۰۰۵ بر ملا ساخت که آمریکا مبلغ ۹،۴ و اتحادیه اروپا ۴،۲ میلیارد دلار مخفیانه برای

## مبارزه درونی امپریالیسم بر توافق آنان برتری دارد

خیالیافانی هستند که در کنار اپورتونیست های عیان و پیوستگان شناخته به دشمن درونی جنبش کمونیستی، گهگاه و با همواره رشد اقتصادی و تکامل تکنولوژی در سیستم سرمایه داری و امپریالیستی را به رخ مردم جهان می کشند تا در آن گویا جهت تکاملی همبستگی و پیوند سرمایه مالی و جهان واحد، آرام و صلح طلب سرمایه داری را نشان دهند. و جالب آن است که این زمره از آغاز قرن ۲۰ تا کنون و علیرغم شکست این تئوری در عمل، همچنان ادامه دارد.

فراموش نکنیم تئوری کائوتسکی و رشکست شده را مبنی بر پیدایش محتمل "ماوراء امپریالیسم" (اولترا امپریالیسم Ultraimperialismus) که درست در آستانه شروع جنگ جهانی اول در جنبش کمونیستی شکاف به وجود آورد. این نظریه در واقع ماهیت تجاوزگرانه، توسعه طلبی، جنگ طلبانه امپریالیسم را مورد سؤال قرار می داد و بر آن بود که رشد سرمایه داری می تواند در آینده تمام کارتل ها کل سرمایه داری بانکی و صنعتی (سرمایه مالی) را به هم در یک کارتل واحد جهانی پیوند داده و به جنگ های بین امپریالیستها خاتمه دهد.

لنین با این تئوری پوچ به مبارزه برخاست و در قبال "امکان محتمل و انتزاعی" توافق و وحدت بین گروه های امپریالیستی، تنها امکان واقعی و موجود یعنی تضاد آشتی ناپذیر بین امپریالیستها و ضرورت مبارزه بین آنان را برای تقسیم مجدد جهان بین خویش مطرح ساخت و تاکید کرد که این "امکان" ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران

ببینید

**نقاب حمایت از محیط...**

امپریالیستی در تضاد آشتی ناپذیر قرار دارد و در آینده نیز در تضاد خواهد بود. این کنفرانس نتوانست و نمی تواند گام کوچکی برای نجات بشریت بر دارد. نجات بشریت از این بلایا که ناشی از ماهیت امپریالیسم می باشد؛ فقط در گرو سرنگونی این نظام و استقرار یک دولت جهانی سوسیالیستی با برنامه ریزی هدفمند تولیدی با انگیزه تامین و بهبود مستمر شرایط زندگی توده مردم چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی امکان پذیر می باشد. بدون یک نظام برنامه ریزی شده علمی دولتی و جهانی؛ امکان ندارد توازن طبیعی کره زمین را که محصول صدها میلیون سال تحول ارضی بوده است و متعلق به همه مردم روی کره زمین است؛ مستقر ساخت و نیروهای طبیعت را برای بهبود زندگی مردم مهار نمود و از آنها در خدمت مردم استفاده بپوشید کرد.

امپریالیستها در این کنفرانس مانند بازیگران مکاری؛ بدون شرم از اینکه خود بانی نابودی محیط زیست هستند، ظاهر شدند و لباس ناجیان بشریت به تن کردند و از همه دولت‌ها خواستند که از تجربه گذشته بیاموزند و از خطرات بلایای طبیعی حذر کنند و با تمام نیرو به حفظ محیط زیست در حیطه اختیارات خود بپردازند. راهی که آنها برای حفظ محیط زیست که صدمات ناشی از بی توجهی به آن از جانب استعمار غیر قابل انکار است، پیشنهاد می کنند، ادامه همان سیاست استعماری آنها در گذشته در این زمینه با روپوش افسونگرانه است.

واقعیت چیست و این پیشنهادات استعماری کدامند:

واقعیت این است که محیط زیست در درجه نخست در اثر فعالیت کشورهای پیشرفته صنعتی و استعماری با ظهور نظام سرمایه داری و تحولش به امپریالیسم تخریب شده است. آنها معدن سوخت ممالک تحت سلطه را به زیر چنگال خود در آوردند و به توسعه سرسام آور صنایع داخلی خویش پرداختند. آنها با استفاده از مواد فسیلی ذغال سنگ و نفت در درجه اول صنایع خویش را توسعه داده و در تمام عرصه ها پیشرفت نموده و فاصله خویش را از سایر ممالک تحت سلطه روزانه افزایش دادند. تمام پیشرفتها و سطح کنونی مدرن صنایع ممالک امپریالیستی؛ بر مبنای تولید سرمایه داری و تخریب محیط زیست که متعلق به همه بشریت است صورت گرفته است. آنها به حق حیات همه بشریت سودمندان تجاوز کرده اند. پس؛ این خرابکاران محیط زیست ناجیان بشریت نیستند؛ عوامفریبانی هستند که به هیچ سخن آنها نباید اعتماد کرد و از آنجا که تصمیم ندارند از آدمخواری و استعمار و تولید هر چه بیشتر و استثمار شدیدتر نیروی کار دست بردارند؛ هرگز گام مهمی در حفظ محیط زیست بر نخواهند داشت. حفظ محیط زیست از جمله یعنی سلب مالکیت خصوصی از کارخانه های خودرو سازی و جایگزینی آنها بوسیله وسایل نقلیه عمومی. و این امری نیست که سرمایه داری قادر به انجام آن باشد. حال که این غارتگران خود به یک حد معینی از تحول و تکامل رسیده اند از سایرین می طلبند که به توسعه صنایع خویش بپردازند؛ زیرا که تجربه نشان داده است این توسعه و پیشرفت صنایع؛

محیط زیست را تخریب می کند و تخریب محیط زیست به ضرر همه است. البته این ممالک امپریالیستی موعظه گر، خود هرگز از تولید کالاهایی که برای آنها سودآور است و به محیط زیست صدمه می زند دست برنخواهند داشت. تمام کارخانه های جنگی و آدمکشی آنها با همین انرژی فسیلی می گردد و کاربرد این تسلیحات در جهان فاجعه ای برای محیط زیست است. ولی آنها به این سیاست ادامه می دهند و بر بمبهای اتمی اسرائیل چشم می پوشند و بر ادامه پژوهشها و مدرنیزه کردن غیر قانونی و پیمان شکنانه تسلیحات آمریکا پرده سکوت می کشند. امپریالیستها در رقابت با هم که مسئله اساسی است امکان ندارد بتوانند به یک تبنای هر چند موقت دست یابند.

آنها در تبلیغات خویش فورا با هیاهوی سرسام آور و گوشخراش امپریالیسم چین و روس و کشور سرمایه داری هندوستان و یا قدرتهای نوظهور اقتصادی را مقصر وضعیت کنونی محیط زیست جلوه می دهند. در حالی که این کشورها علیرغم اینکه به محیط زیست صدمه می زنند و در آینده نیز خواهند زد؛ نه از نظر قدر مطلق و نه از نظر نسبی در راس ممالکی نیستند که رهبری آلودگی محیط زیست را به عهده داشته باشند. تبلیغات و اتهامات امپریالیسم غرب بر ضد امپریالیسم شرق و ممالک در حال توسعه از آن جهت است که از پیشرفت و توسعه صنعتی آنها ممانعت بعمل آورند و با تبلیغات عوامفریبانه و تجاوزگرانه مانع شوند که این کشورها نیز در تجارب تولید خویش به صنایع مدرن و اقتصاد خودکفا دست پیدا کنند.

محیط زیستی که امپریالیستها می خواهند یک محیط زیست انحصاری برای خود آنهاست و دیگران باید از توسعه و پیشرفت خودداری کنند. هم اکنون بنگلادش و جزایر مالوی را خطر غرق شدن تهدید می کند، یخهای قطب شمال آب می شوند و تغییر درجه حرارت در جهان محسوس است؛ ولی این رویدادها ناشی از تخریب محیط زیست توسط چین، روسیه، هندوستان، برزیل و یا ایران نیست، این رویدادها محصول تخریب صدها ساله محیط زیست توسط امپریالیستهای غرب است که با "لولی حفظ محیط زیست" که درست کرده اند آهنگ آن دارند از توسعه سایر ممالک جلوگیری کنند. اگر آنها یک جو صمیمیت داشتند به این جمع بندی می رسیدند - حال که با تخریب محیط زیست و آهم به ضرر همه مردم جهان و به حساب سایر کشورها به توسعه کنونی دست یافته اند، چه خوب است دستاوردهای فنی خویش را در اختیار سایرین نیز قرار دهند تا آنها مجبور نباشند از همان راهی بروند که آنها رفتند. البته امپریالیستها حاضر نیستند خسارت دوران استعماری خویش را به ملت‌ها پس دهند.

امپریالیستها می طلبند که از شدت سوخت انواع مواد ذغال سنگ کاسته شود. این تعریف جدید به مفهوم نسبت درجه انتشار آلودگی به توانایی اقتصادی هر کشور است. از آنجا که ممالک صنعتی از توان اقتصادی بالایی برخوردارند و با پیشرفت فنی قادرند با صاف کردن و تصفیه نمودن و استفاده بهینه از مواد سوختی از شدت غلظت این آلودگی بکاهند، بدون آنکه از سرعت تولید کالائی خویش کاسته باشند، ممالک در حال توسعه مجبور خواهند بود برای

حفظ این شرایط در مصرف انرژی فسیلی خویش صرفه جوئی کرده که خسارت جبران ناپذیری به رشد تولیدی آنها خواهد زد. در آلمان فدرال کارخانجات خودرو سازی با جعل آمار و روشهای اندازه گیری اختراعی بیش از ادعاهای مظلومانه خویش در مورد حفظ محیط زیست به آلوده کردن این محیط در سراسر جهان با فریب خریداران و ممالک جهان مشغول بوده اند. کسی که برای حفظ محیط زیست ارزشی قابل باشد و به صورت نهادینه به آن اعتقاد داشته و به ادعاهایش احترام بگذارد و در آن صادق باشد و نخواهد از آن یک ابزار استعماری برای ممانعت از پیشرفت سایرین بسازد، آنوقت چنین آگاهانه و "مظلومانه" به جعل نتایج آزمایشگاهی برای فریب مردم جهان و رقیبای خویش نمی پردازد.

امپریالیستها پرچم استفاده از انرژی جایگزین را بلند کرده اند تا این روش غیر اقتصادی خود شرایط کنونی را که تنها به نفع صنایع خود آنهاست به سایر ممالک بی خبر جهان بفروشند. تا دیروز امپریالیسم آمریکا و چین در مقابل این تهاجم تبلیغاتی آلمان ایستادگی می کردند زیرا خودشان هنوز قادر نبودند به تولید چنین ابزاری موفق شوند. اکنون آمریکا و چین نیز به این تولید دست یافته اند و رقیب گردن کلفتی برای آلمان هستند. به این جهت بیکیاره موافق استفاده همه جانبه از انرژی جایگزین شده اند زیرا که خود می توانند که ابزار تولید انرژی را که هنوز غیر اقتصادی است به ملت‌های جهان قالب کنند. تغییر لحن آمریکا و چین در کنفرانس پاریس را تنها به این نحو می شود توضیح داد. از این گذشته با بستن قراردادهای استعماری "سازمان تجارت جهانی"، "مناطق آزاد تجاری" و... وضعیتی را به ممالک در حال توسعه تحمیل خواهند کرد که آنها باید حق مالکیت معنوی ممالک امپریالیستی را به رسمیت بشناسند. از نسخه برداری و استفاده از نتایج اختراعات آنها خودداری کنند و ابزار تولید انرژی جایگزین را از آنها با حق محفوظ امتیاز بخرند. به این ترتیب کشور ما ایران نباید از انرژی هسته ای و گازی و فسیلی استفاده کند، بلکه باید با خریدن دستگاههای تولید انرژی جایگزین از ممالک امپریالیستی مهار تامین انرژی کشور را به دست آنها سپرده و همیشه به آنها باج دهد و نامش را پرداخت حق امتیاز بگذارد. ایران و یا ممالک نظیر حق ندارند خودشان به تولید این دستگاهها بپردازند. این ادامه همان سیاست تحریم تولید انرژی هسته ای در ایران است که می خواهند زمام تولید انحصار انرژی در جهان را خودشان به عهده بگیرند. کنفرانس پاریس طرح یک استعمار جمعی امپریالیستی برای به زیر یوغ کشیدن همه ممالک در حال توسعه و کنترل آنها است. هیچ کشوری حق ندارد در آینده در مقابل امپریالیستها چه از نظر نظامی و یا اقتصادی قد علم کند. کشورهای در حال توسعه باید به مناطق نفوذ استعمار امپریالیستی بدل شوند. جالب این جاست که در تمام مذاکرات پاریس تولید انرژی هسته ای مورد انتقاد و بحث قرار نگرفت. گویا مشکل جهان نفت اوپک و گاز ایران و قطر و روسیه است. به زعم آنها همه جهان باید بسیج شوند تا این کالاهای "خطرناک" برای محیط زیست را از چنگ این ممالک... ادامه در صفحه ۳

**نقاب حمایت از محیط...**

در آورده و برای حفظ "جان بشریت" در اختیار ممالک امپریالیستی قرار دهند. آنچه مربوط به انرژی جایگزین است تنها می تواند با سهمیه ۲۰ درصدی کنونی به عنوان مکمل انرژی فسیلی و هسته ای مطرح باشد. همانطور که در خود این کشورهای صنعتی نیز به آن عمل می کنند- و نه آنطور که با ریاکاری برای فریب سایر ممالک ادعا می شود وظیفه جایگزینی همه انواع انرژی را در این سطح تکامل فن آوری و سطح کیفیت زندگی کنونی دارا باشد. از این گذشته ممالک مستقل باید خودشان در جهت تولید دستگامهائی بکوشند که به تولید انرژی جایگزین دست می زنند تا به این وسیله هم با استفاده از این انرژی به طول عمر استفاده همه انواع انرژی موفق شوند و هم به زیر سلطه ممالک استعماری نروند.

\*\*\*\*\*

**ریشه های پناهندهگی در ...**

تولید ذرت، برنج، میوه، ارزن، تنباکو و شراب به کشاورزان خود، یارانه پرداخته اند. و به موازات آن با تعیین تعرفه ها و ضوابط گمرکی از واردات کالاهای مشابه از کشورهای در حال توسعه ممانعت به عمل آوردند. پی آمد این عمل ردیانه امپریالیستی این بود که کشاورزان ۳۸ کشور در حال توسعه افریقای و آمریکای لاتین نظیر مالاوی، موزامبیک، برزیل و مکزیک و ... زیان ببینند.

چنین روشی از جانب امپریالیستهای آمریکا و اروپا در رابطه با سایر محصولات کشاورزی نظیر چغندر قند، غله، پنبه سالهاست که ادامه دارد و باعث اعتراض شدید کشورهای زیان دیده سازمان تجارت جهانی (WTO) شده است.

سازمان جهانی توسعه (Oxfam) پس از کشف پرداخت یارانه مخفی از جانب آمریکا و اتحادیه اروپا، بدرستی پیشنهاد محاکمه این کشورها را به جرم یک عمل ضد حقوق بشری در محاکم بین المللی داد.

ولی آب از آب تکان نخورد، زیرا آمریکا و اروپا در مقابل این خواست مقاومت کرده و با حرکت از " بند صلح" اساسنامه سازمان تجارت جهانی (WTO) خواستار مصونیت خود شدند.

سازمان جهانی توسعه (Oxfam) در عین حال فاش ساخت که دولت آمریکا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، ۲۵ میلیارد دلار (تقریباً ۱۰ برابر بودجه ۵ ساله کشاورزی در مکزیک) به تولید کنندگان کلان ذرت یارانه پرداخت کرده است. که اگر نمی کرد قیمت ذرت در آمریکا ۱۵ درصد آفت می داشت، و در نتیجه صادراتی از آمریکا صورت نمی گرفت و قیمت این محصول در جهان افزایش می یافت که این امر بدون تردید به نفع کشاورزان کشورهای در حال توسعه بویژه مکزیک می شد.

در حالی که عکس این ماجرا اتفاق افتاد. این عمل امپریالیستی بویژه برای ۱۵ میلیون کشاورز مکزیک که از پیشگامان کشت ذرت در جهان بودند و از قبیل کشت آن می زیستند، فاجعه آمیز بود. به علت آفت قیمت ذرت و نیز

قهوه در ایالت "چیاپاس" مکزیک امروز ۷۰ درصد از اهالی آن در فقر کامل به سر می برند.

دولت ایالت متحده آمریکا علاوه بر این به غلات، دانه های روغنی، تولیدات لبنی، پنبه، خشکبار، میوه جات و... در سالهای اخیر ۲۰ میلیارد، از بودجه دولت یارانه پرداخته است.

طبق آمار سازمان جهانی توسعه (Oxfam) اگر این پرداخت ها صورت نمی گرفت کشاورزان کشورهای پاراگوئه، آرژانتین، مکزیک، اکوادور، هندوراس، پرو، ونزوئلا و نیز افریقای جنوبی ۴ میلیارد دلار بیشتر درآمد می داشتند.

علاوه بر این طی همین مدت دولت آمریکا سالانه ۱,۲ میلیارد دلار به کشتکاران برنج پرداخته است. اشاره به این نکته نیز ضروری است که این رقم معادل ۹۹ درصد قیمت کل محصول برنج در این کشور می باشد. در نتیجه کشورهای تایلند، اروگوئه، سورینام که صادر کننده عمده برنج به شمار می آیند زیان هنگفتی دیدند.

محصول اصلی کشور اندونزی نیز برنج است. این کشور تا پیش از پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) در زمینه تولید برنج کاملاً خودکفا بود. اما پس از عضویت در این سازمان و الزاماً از میان برداشتن تعرفه گمرکی، تولید برنج با مشکل جدی مواجه شد، زیرا قیمت برنج در بازار جهانی ارزانتر از قیمت این محصول در خاک این کشور شد. از آنجا که مردم به خرید برنج وارداتی که ارزانتر از محصول داخلی بود روی آوردند و دولت از پرداخت یارانه به کشاورزان برنج خودداری می کرد، تولید برنج تا سرحد نابودی پیش رفت. سوپا نیز به مثابه غذای اصلی مردم اندونزی دچار همین سرنوشت شد. سازمان جهانی توسعه (Oxfam) می نویسد: "جالب اینجاست که در سال ۲۰۰۷ اندونزی با بحران شدید سوپا مواجه شد. زیرا مقدار سوپا در بازار یکباره کاهش و قیمت آن افزایش یافت. پس از پی گیری، پلیس اندونزی دریافت که یک شرکت غذایی چند ملیتی (شرکت مادر در آمریکا) ۱۲ هزار تن سوپا را با هدف افزایش قیمت در بازار جهانی احتکار کرده است. گفتنی که این آبر شرکت بر کلیه زنجیره های تولید و فروش سوپا و سایر غلات و نیز بذر تسلط دارد. در عین حال با در اختیار داشتن زمین های مساعد کشت، نیروی کار، بسته بندی و... عملاً تولید فروش غله و سوپا را به زیر سلطه خود کشیده است. لازم به یادآوری است که طبق گزارش سازمان جهانی توسعه (Oxfam) یارانه ها در اروپا و آمریکا به طور عمده در اختیار شرکت های بزرگ کشاورزی قرار گرفته و سر کشاورزان خرد عملاً بی کلاه مانده است.

اتحادیه اروپا برای تولید: گوجه فرنگی ۳۰۰ میلیون، صنایع آب میوه گیری ۲۵۰ میلیون و دامداری ۱,۵ میلیارد یورو یارانه می پردازد. در نتیجه قیمت این محصولات در کشورهای نظیر افریقای جنوبی، مصر، مراکش، شیلی، تونس، آرژانتین، برزیل، کوستاریکا و... به علت عدم توانایی رقابت کشاورزان تنزل یافته است و کشاورزان را در معرض نابودی قرار داده است. علیرغم اعتراض کشورهای در حال

توسعه، مثلاً در سال ۲۰۰۵ اروپا ۱۳ میلیارد دلار بر یارانه خود به دایره کشاورزی افزود. آمریکا و اروپا در این رابطه تنها نیستند. سایر کشورهای پیشرفته نیز در این دزدی بین المللی سهیم اند. برای نمونه دولتهای کره و ژاپن به کشاورزان برنج، بخش بزرگی از کل یارانه جهانی را که به برنج اختصاص داده می شود، پرداخت می کنند. کشورهای نروژ، سوئیس، ایسلند نیز برای تولید کالاهای اساسی به تولید کنندگان کشور خود یارانه می پردازند.

با حرکت از این واقعیت است که محققین اقتصادی، به درستی اصلی ترین و ریشه ای ترین دلیل گرسنگی در جهان را، پرداخت یارانه دول صنعتی پیشرفته به بخش کشاورزی خود به شمار می آورند.

علاوه بر این زمانی که در کشورهای توسعه نیافته از یک طرف یارانه حذف شود و تنظیم بازار از دست این دولت ها خارج شده و به بخش خصوصی واگذار شود و در عوض کشورهای امپریالیستی محصولات ارزانتر خود را در این کشورها عرضه کنند، عملاً استقلال این کشورها از بین می رود و به امپریالیستهای استعمارگر وابسته می گردند.

کشورهایی که با این امید به سازمان تجارت جهانی پیوستند، تا مشکلات موجود را حل کنند، عملاً پس از چند سال به این واقعیت پی بردند که نه تنها مشکلاتشان حل نشد، بلکه بر آنها افزوده نیز گشت. پی بردند که تبلیغات این سازمان دروغی بیش نبوده و تنها اهداف استعماری در پس آن نهفته بوده است. در نتیجه در برخی از کشورهای، بویژه کشورهای توسعه نیافته کشاورزان با هم متحد شده و تشکل هایی را جهت بررسی مشکلات مذاکره در سازمان تجارت جهانی (WTO) بوجود آوردند. این سازمانها در محل هایی که جلسات سازمان تجارت جهانی (WTO) تشکیل می گردند، حضور یافته و به کشورهای پیشرفته اعتراض می کنند. برای نمونه می توان تظاهرات خیل عظیم مخالفین در سال ۲۰۰۰ در سیاتل آمریکا، ۲۰۰۵ در هنگ کنگ و ۲۰۰۳ در مکزیک اشاره کرد. این مخالفان خواهان پرداخت یارانه در کشورهای توسعه نیافته جهت تولید کالاهای اساسی به کشاورزان می باشند.

خودکفا و مستقل بودن در تولید غذا، عوامل عمده در حاکمیت و استقلال کشورها محسوب می شود. کشورهای که به واردات غذا وابسته اند هرگز قادر به حفظ استقلال خود نخواهند بود.

کشورهای امپریالیستی با تسلط خود بر سازمان تجارت جهانی (WTO) عملاً این هدف شوم را دنبال می کنند که در تولید مواد اساسی غذایی سهم عمده در اختیار آنها باشد. در این رابطه نه از بکار بردن وسیع کودهای شیمیایی، نه از نابودی جنگلها، بویژه در افریقا نه از تولید محصولات ترا ریخته (دستکاری شده ژنتیکی) که عملاً تعادل محیط زیست را برهم می زند و آینده زندگی بشریت را با مخاطرات غیر قابل ترمیم مواجه می سازد، ابائی ندارند.

در نشست ۰۳/۰۹/۲۰۱۵ کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در کنکون (مکزیک) نمایندگان دولتهای در حال توسعه بار دیگر مخالفت شدید خود... ادامه در صفحه ۴

**امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است**

## ریشه های پناهندگی در ...

را با پرداخت یارانه در کشورهای پیشرفته صنعتی و نیز ایجاد تعرفه های گمرکی در این کشورها اعلام کردند. وزیر تجارت مالزی به مثابه سخنگوی مخالفین گفت: "که کشورهای در حال توسعه نشان دادند که دیگر حاضر نیستند دستورات ممالک ثروتمند را در بست قبول کنند".

در سالهای اخیر نیز هرگاه سازمان تجارت جهان (WTO) نشستی برگزار کرده، اعتراض گسترده ای در اطراف محل برگزاری صورت پذیرفته و خیابانها را به صحنه جنگ و اعتراض های خسونت آمیز مبدل ساخته است. امپریالیستهای "دموکرات" از اینکه در اثر سیاستهای خانمان براندازشان در کشورهای عقب نگهداشته شده:

در آمد روستائیان در قهقرای خطر فقر قرار دارد، اینکه در اثر فقر عمومی سوء تغذیه بی داد می کند، اینکه به علت عدم وجود بهداشت و درمان کافی سطح مرگ و میر کودکان بالا و متوسط عمر مردم پائین است، اینکه به علت کمبود امکانات آموزشی درصد بی سوادی به اوج خود رسیده است، اینکه عدم وجود آب آشامیدنی بهداشتی انواع و اقسام بیماریهای مرگ آور شیوع یافته است، و...  
خم به ابرو نمی آورند.

برای این "دموکراتها" شرایط جانکاه فوق که عرصه را بر مردم این کشورهای استعمار زده تنگ کرده است، اهمیتی ندارد. در صورتیکه در منشور سازمان ملل، امنیت غذایی و بهداشتی جزء حقوق اولیه ذکر شده است. از جمله دلیل مهاجرت میلیونی مردم کشورهای فقرزده به سمت کشورهای غنی را بدون شک باید در این سیاست های امپریالیستی فقر آفرین جستجو کرد. امپریالیسم جهانی برای تداوم این غارت ناچار است تا دندان مسلح شود و خلقها را سرکوب کند، تجاوز کند، جنگ راه بیاندازد و مردم جهان را آواره کند. تا امپریالیسم در جهان جولان می دهد و قدر قدرت است و مهاجرت میلیونی انسانها، پناهندگی، بی خانمانی پایانی ندارد. اگر نخواهیم برخورد فرمیستی و هومانیتیستی به امر پناهندگی داشته باشیم که در عمل ماندن در سطح و غمخواری و فداکاری فردی و نودوستی محدود است و به علل رویدادها نمی پردازد و راه حلی هم برای آن ندارد آنوقت باید مبارزه بر ضد استعمار نوین را تشدید کنیم و گور امپریالیسم جهانی را با بسیج خلقها و طبقه کارگر کشورها بکنیم. حزب کار ایران (توفان) در این راه گام بر می دارد و هر گام موفقیت آمیزش گامی کوچک در راه حل مسئله بزرگ پناهندگی است.

\*\*\*\*\*

## مبارزه درونی امپریالیسم...

واقعی و موجود جهت رشد امپریالیسم را نشان داده و در ماهیت آن جهان است. لنین به درستی نشان داد که واقعیات در جهت تشدید تضادهای اقتصادی سرمایه داری جهانی حرکت می کنند و نه تخفیف تا چه رسد به حل و یا وحدت درونی جبهه امپریالیسم. کائوتسکی

نه از واقعیات بلکه از تخیلات و آرزوهای کودکانه ای حرکت می کرد تا پیوستن کامل خود را به بورژوازی و امپریالیسم توجیه کرده باش. او اکنون زنده نیست و لنین نیز در میان ما نیست. اما تقابل این دو نظر که ماهیت امگرایلیسم را از دو دید متضاد مطرح می کند؛ هم چنان موجود است و در میان ما در سطح کل جهان هنوز مطرح و زنده است. صحت تئوری لنین نه تنها از آن جهت است که از مواضع انقلابی حرکت کرده و تغییر جهان سرمایه داری را هدف گرفته است (بر عکس تئوری "ماوراء امپریالیسم" کائوتسکی که مظهر تسلیم طلبی و ضد انقلاب است)؛ بلکه عمدتاً بدان دلیل صحیح است که نه از ذهنیات و فرضیاتی که عمدتاً تصادفی بوده و می توانند تکاملشان در جهات مختلف صورت پذیرند؛ بلکه از درون واقعیات و حوادث موجوده جامعه سرمایه داری و به ویژه امپریالیستی. یعنی بطور مشخص بیرون آورده شده و تکامل ناگزیر و ضروری آن واقعیات را نشان می داد و هم چنان می دهد.

کوتاه مدتی پس از ادعای "اولترا امپریالیسم" از سوی کائوتسکی، جنگ جهانی اول شروع شد و عملاً ابتذال و ابطال این نظریه را به معرض تماشا گذاشت. امپریالیست ها به جان هم افتادند و جهانی ویران بر جای نهادند.

اما چرا تئوری لنین نه تنها بیان حقیقت بود؛ بلکه هم چنان نیز هست؟ چرا هم چنان تضادها و مبارزات متعدد و روزافزون امپریالیستها در حال رشداند و هنوز که هنوز است قادر نگشته اند به وحدت و پیوندی نسبتاً چشم گیر دست یابند؟ از جنگ جهانی اول، بورژوازی اکثر کشورهای امپریالیستی، حتی آنان که بر رقیب پیروز شده بودند، به غیر از بورژوازی امپریالیستی آمریکا، تضعیف شده و فاقد قدرت ضربه آور قیل از جنگ بودند. پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه تزاری نیز سبب گشته بود تا امکانات آن موقتاً تضعیف گردد. روشن است که در چنین شرایطی جستجوی راه های مصالحه و هم آغوشی و یافتن امکانات آشتی و هوای تازه مطرح می گردند. در سال ۱۹۱۹ جامعه ملل تاسیس یافت که تا سال ۱۹۳۵ (پایان عضویت آلمان در آن) ۵۷ کشور را شامل می گشت. جالب آنکه آمریکا هرگز عضو آن نبود. اپورتونیست های جنبش کارگری و به ویژه سوسیال دموکرات ها آن را به فال نیک گرفته و نوید جهان صلح آمیز و بدون جنگ را تحت شرایط رشد امپریالیستی به مردم جهان و به ویژه اروپا دادند. شروع جنگ جهانی دوم از درون رشد شدیدترین تضادهای امپریالیستی و اوج فاشیسم در آلمان و ایتالیا، ابطال تئوری های "ماوراء امپریالیسم" و مشتقات آن را نشان داد و صحت تئوری در خشان لنین را ثابت نمود.

این جنگ نیز با قربانی شدن میلیونها انسان، با فداکاری مردم جهان و به ویژه رزمندگان ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی و ملت های شوروی و به جای ماندن جهانی نیمه ویران در سال ۱۹۴۵ پایان یافت. به این ترتیب زمان "آشتی و صلح" بین امپریالیستها فرا رسید. در این سال بود که سازمان ملل متحد با همت همه کشورهای جهان و به ویژه آنان که خواهان

صلح و مخالف جنگ بودند؛ پایه گذاری شد. این نیز برای همه اپورتونیست های شبه کائوتسکی و کائوتسکی به مثابه شروع جهان و استراحت، دوران یافتن "توافق ها" و "متحدین" جدید فرا رسید. پیروزی انقلاب کشورهای سوسیالیستی در اروپا و تشکیل اردوگاه سوسیالیستی و هم چنین آغاز مبارزات و انقلابات ملی و رهائی بخش در بسیاری از کشورهای جهان، چهره جهان را تغییر دادند. اما آنچه در این جهت تغییر نیافت و بر عکس بر روال کهنه و پوسیده خود رشد و تکامل کرد؛ چهره جهان کهنه و پیر، جهان سرمایه داری و امپریالیستی بود با تمام روابط آشنای حاکم بر جهان سرمایه داری، با حفظ و رشد سیستم سابق مبنی بر در اختیار داشتن سرمایه، نیروی کار ارزان، تکنولوژی و تجربه سیاسی، مالی و نظامی خود.

متأسفانه دنیای نوین، جهان سوسیالیستی پس از قریب ۴۰ سال رشد و تکامل و علیرغم دستاوردهای شگرف خویش از درون دچار تخریب و گرفتار چنگال رویزیونیسم خروشچنی گردید و به زودی به سوی جبهه دشمن، جبهه امپریالیستی پیوست. حال چه ساده اندیشی خواهد بود اگر گمان بریم که این موقعیت دنیای پوسیده امپریالیستی و یافتن متحدین نوین، این دنیا را به سوی وحدت، توافق و همکاری کشانده و تضاد های درونی آن را یا حل کرده و یا تخفیف خواهد داد. چنین نشد، تضادها شدت یافتند و هژمونی طلبی و قیحانه آمریکا نیز وارد معرکه جهان شد. در کنار آن سرکردگی. هژمونی امپریالیسم آلمان در اتحادیه اروپا جایگزین همدردی و همسانی کشورهای عضو گردید. بدین ترتیب رقابت و تبعیت این قانون اساسی امپریالیسم با مرور به جای صحنه سازی های موقتی همکاری و هم رای و رعایت "حقوق دموکراتیک کشورها" نشست. باز هم تئوری لنین صحت خود را به بارزترین نحو نشان داد. ساده اندیشان تکیه بر واقعیات و وقایع مشخص ندارند و در واقع نیز هواخواه یافتن حقیقت نیز نیستند. اکثر آنان گمراه اند و یا منحرف. ولی اقلیت عظیمشان می دانند که حقیقت را لگدمال کرده اند تنها برای آنکه منافع طبقاتی سازشکارانه و بورژوازمآبانه آنان بر نظرانشان حاکم است و نه واقعیت عیان و حقیقت بارز.

آن چه بر سر باقی مانده شوروی سوسیالیستی، بر سر امپریالیسم روس، بر سر کشور روسیه آمد و هنوز می آید (ببینیم توطئه و کودتای آمریکائی/فاشیستی را در اوکراین) در برابر چشمان ماست و می بینیم که چگونه یک امپریالیسم قهار و حاکم به نام آمریکا قادر است علیرغم اختلاف سلیقه و یا تفاوت منافع، سایر امپریالیست ها را تا مدتی عملاً به دنبال خود بکشد. در اینجاست که دیده می شود چگونه منافع عام و مشترک امپریالیست ها مبنی بر حفظ نظام بر منافع خاص و متضاد درونی شان برای اندک مدتی سایه می افکند و برای ساده اندیشان و اپورتونیست ها تولید شبهه می کند که تو گوئی آنان قادرند به این وضع ادامه دهند.

سال ها پیش امپریالیست ها بر اثر رشد و تکامل تکنیک و در ... ادامه در صفحه ۵

## انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

امپریالیستها نه تنها متجاوز، چپاولگر، سلطه گرا و جنگ طلب اند و در این امر با هم توافق دارند، بلکه در عین حال همه این سیاست های مورد توافق را هر یک برای خود و بر علیه دیگری به کار می بندند. به عبارتی دیگر آنان ماهیتا رقیب هم هستند و منافع اساسی هر یک در رقابت و سرکردگی گرائی (هژمونی طلبی) آنان است. تاریخ معاصر دورنمای "ماوراء امپریالیسم" و جهان صلح آمیز و مرفه تحت سیستم امپریالیستی را به گورستان تاریخ سپرده است.

\*\*\*\*\*

### مستخرجی از بیاتیه حزب کار...

می تواند سالها به طول بیانجامد. آزاد سازی ثروت های مسدود ایران در آمریکا هنوز به مفهوم بازگرداندن آزاد این ثروتها نیست. آمریکا همانگونه که وعده گرگ مالبانه داده است ممنوعیت را بر می دارد، ولی "مطالبات قانونی" خویش را از آن کم می کند. آمریکا پول نقد به ایران نخواهد داد به ایران اعتبار می دهد تا اجناس آمریکائی خریده و به ایران صادر کند. آمریکا حتما موافقتنامه های اسارتباری را به ایران تحمیل خواهد کرد و ایران را تحت فشار می گذارد تا به سرمایه گذاران آمریکائی حقوق ویژه بدهند در غیر این صورت از همان بندهای نامرئی برای فشار بر ایران سود خواهند برد. رژیم جمهوری اسلامی با سیاستی که در بعد از انقلاب در پیش گرفته است روز به روز میان مردم ایران منفرد شده و مورد نفرت و تمسخر بیشتر قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی می خواهد با دشمنه و ساطور حکومت کند و مردم را مهار نماید. این است که جلوی بحث در مورد توافقنامه وین را در زمانی که به افشاء اش منجر می شود می گیرد. و با فرمان امام دهان همه را می بندد. این سیاست که دوری از مردم را بدنبال دارد مورد تائید امپریالیسم است زیرا بهتر می تواند این رژیم را تحت فشار قرار داده و به خدمت خود بگیرد. تنها راهی که رژیم جمهوری اسلامی دارد این است که به حقوق مردم احترام بگذارد، مطالبات آنها را برآورده کند، سازمانهای سیاسی و سندیکائی را آزاد کند، سانسور را از رسانه های گروهی بردارد، به اعتماد سازی میان مردم بپردازد، راهزنان حکومتی و فاسدان را دستگیر کرده به سزای اعمال خود برساند. قاتلان در حکومت را در دادگاههای صالحه محاکمه کند تا کوهی از حمایت مردمی بدست آورد. آنوقت با تکیه بر این کوه می شود جلوی هر زورگوئی و دسیسه امپریالیستی را گرفت. با تکیه بر این کوه می شود حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را تامین کرد و با سیاست حسن همجواری در منطقه، با دسیسه های صهیونیسم و ارتجاع منطقه مبارزه نمود. نابودی صهیونیسم برای حفظ امنیت منطقه در گرو احترام به حقوق مردم منطقه و بسیج آنهاست. رژیم جمهوری اسلامی در دامی افتاده است که نمی تواند از آن بیرون آید و سرانجام باید دو دستی به آغوش امپریالیسم برود تا از "گزند رویدادها" در امان بماند.

\*\*\*\*\*

یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا قادر گشته اند که سیاست واحدی را پیشنهاد دهد؟ هر یک نوانی دیگر سر می دهد و همگی در واقع چنانچه مقاومت مردم اروپا نمی بود؛ هم چنانکه سال ها این اورگان را در دریای مدیریتانه به حال خود گذاشتند، هم اکنون نیز همگی را به هر طریقی که شده بازمی گردانند. عملی که بدون تردید اکثر این بینوایان در آینده با آن روبرو خواهند گشت. آلمان تنها به این دلیل که به نیروی کار در آینده احتیاج دارد نظر لطفی بر اورگان انداخت و با سیاست عوامفریبانه ادعای انساندوستی کرد.

جالب آن است که این انساندوستی عمدتا متوجه فراریان از سوریه است. زیرا همانطور که برخی از سیاستمداران و کارگزاران اقتصادی آلمان بارها رسماً اظهار داشته اند؛ سوریه ای ها دارای معلومات سطح بالاتری هستند و اقتصاد آلمان به آنان نیازمند است. اعتراض برخی از کشورهای شرق اروپا و عضو اتحادیه اروپا به سیاست درهای باز برای فراریان، به این بهانه که آنان دارای سیاست های نژادپرستی (مجارستان) و یا ضد انساندوستی اند؛ از سوی اکثر کشورهای عضو اتحادیه و به ویژه آلمان به سختی مورد حمله قرار می گیرد. در واقع اعتراض کشور مجارستان مبنی بر آن که اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان با فراخواندن و تبلیغ رسمی برای پناهندگان به سرازیر شدن به سوی مرزهای اروپا و آلمان، مصوبات خود اتحادیه را زیر پا می گذارد. این اعتراض حداقل از لحاظ قانونی و ظاهری ناوارد نیست. طبق این مصوبات هر پناهنده ای باید به اولین سرزمین اروپا که قدم خود را گذاشت، در آن جا بماند و در همانجا نیز تقاضای پناهندگی دهد. حال این تقاضا پذیرفته شد یا نه مسئله دیگری است. این مصوبه بدون تردید مشکل آفرین و نادرست است و نتیجه آن انباشته شدن این پناهندگان به اولین سرزمینهای نزدیک یعنی یونان و ایتالیا گشته است. ولی راه درست تعویض این قرار داد است. لیکن امپریالیسم آلمان تحت رهبری سیاسی خانم مرکل، قرارداد و مصوبه نمی شناسد. نیت و میل سرمایه مالی و اقتصاد غول آسای آلمان است که دستور می دهد مرزها را باز کنند و سپس با دستورهای بعدی آنها را ببندند. مجارستان علیرغم آن که دولتی دست راستی و نژادپرست دارد؛ در این امر محق است که آلمان را به "امپریالیسم فرهنگی" متهم می سازد و از او تبعیت از قراردادهای تصویب شده همه اعضاء اتحادیه را می طلبد.

چنین است وضعیت "اروپای متحد" با نام اتحادیه اروپا و نزاع های ناشی از منافع ملی سرمایه های مالی هر یک از کشورها. وحدت اروپا تحت نام "اتحادیه اروپا" دچار مبارزات درونی و تلاشی است و به نظر نمی آید که عملی گردد. شرط اساسی چینی و وحدتی، توافق، سازش و یکی شدن سرمایه های مالی هر یک از اعضاء آن است. بدون ایجاد یک سرمایه مالی واحد که در برگیرنده همه اعضاء آن- و یا حداقل اکثر آن ها- باشد؛ هرگز امپریالیسمی بنام "امپریالیسم اروپا" تحقق پذیر نخواهد گردید. امپریالیستها قبل از آن که با هم متحد شوند می بایستی به جان هم افتند؛ چنانچه بطور عیان در مقابل خود می بینم.

**مبارزه درونی امپریالیسم...**  
پی آن امکانات وسیع اقتصادی و مالی، "گلوبالیزاسیون" این "کلید طلایی" رد باغ صلح و آرامش و رفاه جهانی را برای مردم جهان هدیه آوردند. و دیدیم که چگونه از راست و چپ در برابر این "کلید" بیشماری از مردم جهان و حتی گروهی نه اندک از "چپ" ها سر تعظیم فرود آوردند. کائوتسکی به یکبار زنده شد و فریاد برآورد: " این همان ماوراء امپریالیسم است که من وعده اش را داده بودم". کلید طلایی در را باز کرد و سیاست نئولیبرالی، حباب عوامفریبی و بیابان غارت ثروت ملت ها و دولت ها را به جای بهشت موعود به ارمغان آورد. به هر کجای این عالم برویم چپاول و غارت، نا امنی و جنگ، دشمنی خلقها، فرهنگ ها و مذاهب با یکدیگر، درگیری کشورها با هم و بوی باروت عداوت به مشام می آید و اگر از سطح به عمق رویم و به خواهیم ببینیم چه می گذرد؛ می بینیم که امپریالیستهای رنگ و وارنگ، که گاه با همکاری هم که گاه بر علیه هم، همگی در حال تقسیم جهان و چپاول ثروت مردم و کسب سود حداکثر و در این مسیر حتی دست یابی به هژمونی خویش در قبال دیگران اند.

سراسر کشور افغانستان، همراه عراق، لیبی و سوریه به دست امپریالیستهای غرب به خاک و خون کشانده شده و تروریستهای حرفه ای رنگ و وارنگ از انواع طالبان، بن لادن گرفته تا داعش و وابستگان دیگر آنان که همگی در تحلیل نهانی سرنخشان دست امپریالیسم آمریکا و وابستگان به او-به ویژه عربستان سعودی و قطر- بوده و هست به مثابه پیشقراولان تقسیم مجدد خاورمیانه و آفریقا به تاراج و قتل عام این مناطق مشغولند. جهان امپریالیسم این قدر قدرت عظیم تو گوئی دچار بیماری ضعف و فراموشی گشته و هیچ گونه مقاومت موثری در برابر آنان انجام نمی دهد.

آرای وحدت امپریالیست ها حتی در همین امر تقسیم مجدد خاور میانه نیز فرعی و ظاهری است. اگر تجاوز آمریکا را به خاک عراق در سال ۲۰۰۳ در نظر بگیریم؛ به خوبی می بینیم که چگونه امپریالیسم فرانسه و حتی آلمان با این امر توافق چندانی نداشتند. سازمان ملل نیز به دنبال آمریکا به راه نیافتاد و بالاخره آمریکا ناچار گشت به تنهائی و تحت عنوان مبارزه با "تروریسم بین المللی" متحدین چندی را خودسرانه به دور خویش جمع کرده و نیروهای ائتلاف یعنی موجودی ناشناخته و عجیب و غریب و غیر قانونی را بسیج نمود. هژمونی آمریکا در بهترین حالت تنها قادر است امپریالیستها را حول استراتژی عمومی مبنی بر حفظ نظام پوسیده امپریالیستی که اگر چه نه در حال فروپاشی ولیکن دچار بحران های سخت مالی، اقتصادی، اجتماعی و بویژه سیاسی است؛ تا حدودی متحد نماید. به هرکجای این جهان امپریالیسم که بنگری عدم انسجام و توافق و درگیری ها و مبارزات درونی سختی درگیر است.

نگاهی کوتاه به فراریان و پناهندگان بیاندازیم که در مناطق مورد حمله امپریالیسم و تروریست های وابسته به آنان به علت وجود جنگ و ویرانی در سرزمینشان از سوی خاورمیانه و آفریقا روانه اروپا گشته اند. کدام

**تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند.**  
**صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است**

حاکمیت خویش دفاع کنند. سخن بر سر حادثه آفرینی و خرابکاری ترکیه است که امپریالیسم آمریکا در مورد آن سکوت می کند و به بیانات بی ربط کلی اکتفاء می کند.

رجب طیب اردوغان بعد از حادثه آفرینی و ماجراجویی اخیر به دروغ متوسل شد و ماهیت سیاست خویش در منطقه را با لحن تهدید آمیز و هیستریکی چنین بیان کرد: "... ترکیه همیشه به روسیه درباره اقدام جنگنده های این کشور در نقض حریم هوایی ترکیه هشدار می داد.

این جنگنده حریم هوایی ترکیه را نقض کرده بود. ترکیه حریم هوایی هیچ کشوری را نقض نکرد و روابط بدی را با کشورهای همسایه خود نداشته است.

ترکیه همیشه تلاش می کند امنیت مرزهای این کشور و مرزهای کشورهای همسایه برقرار باشد. ترکیه این حق را دارد که از مرزهای خود حمایت کند و باید همه به این حق ترکیه احترام بگذارند. جنگنده های روسیه در سوریه مناطقی را هدف قرار می دهند که نیروهای داعش و تروریست ها حضور ندارند. جنگنده های روسی مناطقی را هدف قرار می دهند که ترک ها و اتباع وابسته به ترکیه و نزدیکان ما زندگی می کنند.

وی افزود: "روس ها می گویند داعش را هدف قرار می دهند ولی در واقعیت جنایت هایی را علیه برادران ترکمان ما مرتکب می شوند. غیرنظامیان ساکن این مناطق در نتیجه این حملات آواره و در مناطق دیگر ساکن شده اند. این منطقه از اهمیت زیادی برای ما برخوردار است... ترکیه همیشه در کنار حق و عدالت ایستاده است و حمایت های این کشور از برادران مظلوم در سوریه ادامه خواهد یافت.

اتهاماتی علیه ترکیه مطرح می کنند که کامیون های این کشور سلاح به سوریه وارد می کند. این کامیون حامل کمک برای برادران ترکمان است که در برابر جنایت ها مقاومت می کنند و حمایت ما از آنان ادامه خواهد یافت.

وی افزود: "در پی آن هستیم که منطقه امن انسانی از جرابلس تا دریای مدیترانه با حمایت متحدان ما ایجاد شود و هدف ایجاد این منطقه برای جلوگیری از اقدامات تروریستی و وحشیانه است. بیش از سیصد هزار نفر در سوریه کشته شدند و در صورتی که با طرح ترکیه در شمال سوریه برای ایجاد منطقه امن همکاری نکنند، مسئول هر فردی خواهند بود که در این کشور کشته خواهد شد.

ما به برادران خود در سوریه می گوئیم که روزهای زیبایی در انتظار آنان است و امیدواریم برادران ما به موفقیت برسند." (همه جا تاکید از توفان است)

اردوغان در این جملات اعتراف می کند که می خواهد شمال سوریه را اشغال کند و از "برادران ترک" به حمایت برخیزد. وی تأیید می کند که به این "برادران" از هر نظر مانند گذشته یاری خواهد رساند و به آنها اسلحه و آذوقه و همه چیز خواهد داد. وی از قدرت گرفتن کردها در شمال سوریه نگران است و می خواهد در شمال سوریه به گفته خودش "منطقه امن" ایجاد کند. یعنی همان کاری که تا کنون داعش می کرد. خبرگزاری صدا و سیما از قول اردوغان بیان کرد...ادامه در صفحه ۵

اردوغان در این جملات اعتراف می کند که می خواهد شمال سوریه را اشغال کند و از "برادران ترک" به حمایت برخیزد. وی تأیید می کند که به این "برادران" از هر نظر مانند گذشته یاری خواهد رساند و به آنها اسلحه و آذوقه و همه چیز خواهد داد. وی از قدرت گرفتن کردها در شمال سوریه نگران است و می خواهد در شمال سوریه به گفته خودش "منطقه امن" ایجاد کند. یعنی همان کاری که تا کنون داعش می کرد. خبرگزاری صدا و سیما از قول اردوغان بیان کرد...ادامه در صفحه ۵

دشمن مشترک ما باید داعش باشد. مهم برای همه ما از جمله روسیه این است که با هدف همه گیرانه ی پیروزی بر داعش به پیش رویم." در حالی که اروپا به شدت از این خرابکاری ترکیه برآشفته است آقای اوباما در یک پیام تلفنی به آقای رجب طیب اردوغان اظهار داشته است: "ترکیه از نظر آمریکا و ناتو حق دارد از حق حاکمیت خویش دفاع کند." گویا سایر کشورها حق ندارند از حق

اردوغان باید هزینه...

مبارزه با تروریسم اخلال می کنند. اروپا که بلاواسطه مورد تهدید تروریستها قرار گرفته و زخم بردار است خواهان آن شده که جلوی ضرر را از همانجا که منفعت است بگیرد. آنها می بینند که سیاستشان در مورد سرنگونی دولت قانونی بشار اسد با شکست روبرو شده و حتی با توسل به نقض منشور ملل متحد و نقض حقوق ملل قادر نشده اند با یاری رژیمهای فاسد و جنایتکار بین المللی نظیر حکام عربستان سعودی، قطر، کویت، اردن و ترکیه به آرزوهای خویش برسند. آنها خواهان کاهش تنش هستند و کاهش تنش در منطقه را برای منافع خویش و عادی کردن روابط با روسیه مفید ارزیابی می کنند. دولت ترکیه که تا کنون با مزدوران داعش از عرب، ترک، ترکمن، چینی، داغستانی و اروپایی بر ضد کردهای سوریه می جنگید حالا می بیند که با شکست داعش و گریز بزدلانه آنها از میدان نبرد، نیروهای رزمنده کرد قوی می شوند و آرزوی اردوغان برای اشغال شمال سوریه و تجزیه این کشور را از جمله با اختراع اقلیت ملی ترکمن که می خواهد به ترکیه بپیوندد بر باد می دهند. ترکمنها که تا دیروز همدست داعش بودند و بر ضد کردها و اعراب می جنگیدند و سر می بریدند بیکباره برادران رجب طیب اردوغان از کار در می آیند که توسط جنگنده های روس شهیید می شوند. اردوغان از این تروریستهای ترکمن به عنوان اپوزیسیون غیر تروریست دفاع می کند و هواپیمای روسی که آنها را بمباران می کرده است با رضایت آمریکا و مخالفت اروپا سرنگون می کند. اردوغان و اوباما نقش موزیانه و دورویانه ای در مبارزه با داعش بازی می کنند.

دارو دسته های هوادار داعش از جمله همه دستگاه دولتی ترکیه به کار افتادند تا "به نقض حریم هوایی ترکیه توسط روسیه" اعتراض کرده و سرنگون کردن هواپیمای روسی را موجه جلوه دهند. جالب است رجب خانی که خود منشور سازمان ملل و حقوق ملل را به رسمیت نمی شناسد و بی شرمانه به کشور مستقل سوریه تجاوز می کند، بیکباره مدافع حقوق ملل شده است. تمام این ترکمنهای ترکیه در اردوگاههای ترکیه آموزش نظامی دیده اند و اخیرا با بهترین و مدرنترین سلاحهای خریداری شده توسط عربستان سعودی که در اختیار ترکیه قرار داده است مسلح گردیده اند. آنها یکی از خلبانان روسی را که به اسارت گرفته بودند مانند برادران تنی شان داعش به قتل رساندند. این مزدوران داعش باید در آتیه به عنوان استخوان لای زخم در شمال سوریه بر ضد دولت قانونی سوریه و خودمختاری کردهای سوریه با رهبری رجب طیب اردوغان عمل کنند.

دولت ترکیه با سیاست پان ترکیستی-پان اسلامیستی خطری برای صلح منطقه است. این دولت با اشغال کشور قبرس، دشمنی با یونان، ایران، ارمنستان، روسیه، سوریه، عراق، کرد و بلغارستان از نادرترین ممالک جهان است که با همه همسایگان خود دشمنی دیرینه داشته و به اراضی آنها نظرسوء دارد. ترکیه توسعه طلب و خطرناک است و خطر این عامل

## توفان در توئیتر Toufanhezbkar حزب کار ایران (توفان) درفیس بوک Toufan HezbeKar

facebook

Name:  
Toufan HezbeKar  
Email:  
toufan@toufan.org  
Status:  
None

خرابکاری آمریکا در منطقه را اروپایی ها به خوبی حس می کنند. دروغهای اردوغان بر ضد تجاوز روسیه به حریم ترکیه در حالی که هواپیمای روسی کیلومترها قبل در خاک سوریه سقوط کرده است، خشم ناتو را برانگیخته است. مسولان ناتو با بی زبانی و حتی در مواردی با صراحت اردوغان را مورد نقد قرار داده از این ماجراجویی برحذر داشتند. آنها حس می کنند با یک قمارباز سیاسی روبرو هستند که بی مسئولیت با حادثه آفرینی در پی ایجاد تنش و جنگ است. "زیگمار گابریل" (Sigmar Gabriel) معاون خانم مرکل صدراعظم آلمان و وزیر اقتصاد این کشور و "گرنوت ارلر" (Gernot Erler) مسئول تماس دولت آلمان با روسیه در انتقاد به ترکیه اقدامات این کشور را "ضربه سختی" در مبارزه مشترک بر ضد تروریسم بیان کردند و افزودند که ترکیه "کوچکترین علاقه ای" به روشن شدن سانحه ندارد. گابریل بیان کرد: "این سانحه برای نخستین بار نشان می دهد که ما یک قمار باز در بازی داریم که بنا بر اعتراف بخشهای گوناگون منطقه غیر قابل محاسبه است. این کشور ترکیه است و نه روسیه." "اشتولتن برگ" (Stoltenberg) دبیر کل ناتو در مصاحبه ای با روزنامه "دی ساید" با توجه به مبارزه بر ضد داعش گفت:

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



"دشمن مشترک ما باید داعش باشد. مهم برای همه ما از جمله روسیه این است که با هدف همه گیرانه ی پیروزی بر داعش به پیش رویم." در حالی که اروپا به شدت از این خرابکاری ترکیه برآشفته است آقای اوباما در یک پیام تلفنی به آقای رجب طیب اردوغان اظهار داشته است: "ترکیه از نظر آمریکا و ناتو حق دارد از حق حاکمیت خویش دفاع کند." گویا سایر کشورها حق ندارند از حق

منطقه به پیش برند. وظیفه کمونیستها همانگونه که حزب کار ایران (توفان) بارها بیان کرده است از جمله دفاع از حقوق ملل و مخالفت با تجاوز به کشورها برای استقرار رژیمهای دست نشانده در آن است. مردم هر کشور فقط خودشان محقند حکومتهای خویش را تعیین کنند و نه تروریسم بین الملل به رهبری امپریالیسم آمریکا و متحدانش در منطقه.

\*\*\*\*\*

### سیاسگزاری از کمکهای مالی

- هدیه جشن تولد ۴۰۰ یورو برای خانواده زندانیان سیاسی.  
کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۲۰۰ یورو  
کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۱۵۰ یورو  
کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۱۵۰ یورو

است و باید آنرا تقویت کرد. نقش روسها در این منازعه با هر هدف غارتگرانه ای که صورت پذیرد بطور عینی مثبت است و فقط هواداران داعش با وضعیت کنونی منطقه که موجب شکست داعش شده است مخالفند.

در ضمن اپوزیسیون خودفروخته ایران که آرزو داشت با زیر پا گذاردن منشور ملل متحد، نقض حقوق ملل و حق حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه دولت قانونی بشار اسد توسط نیروهای اجنبی سرنگون شود زانوی غم به بغل گرفته است زیرا آنها همین سیاست را در لیبی و ایران تبلیغ می کردند و آرزو داشتند همراه با این قوای داعش و بیگانگان تروریسم امپریالیستی به ایران حمله کنند. این اپوزیسیون رنگ باخته و در نزد مردم ایران رسوا شده است. بیاد داشته باشیم که ترکیه همواره خواهان تجزیه ایران و "آزادی برادران ترک" در ایران بوده است و جاسوسانش از زمان سلطنت پهلوی بیاری سازمان "میت" ترکیه در ایران فعال بودند و گرگهای خاکستری و "هفت خواهران" و نظایر آنها را ایجاد می کردند تا در روز موعود این جاسوسان خفته بیدار شوند و با دامن زدن به نفرت ملی و به ویژه نفرت ضد فارس و ضد کرد تمام منطقه را به آشوب بکشند. ترکیه از این سیاست دست برنداشته است. خلق آذربایجان یک بار این تجاوزکاران و اشغالگران آذربایجان را از ایران بیرون کرد و دست هر متجاوز دیگری را نیز قطع خواهد کرد. خلقهای ایران و ترکیه دوستان دیرین اند. مردم ایران هم از عزیز نسین و هم از ناظم حکمت الهام گرفته اند تا مبارزه برای زندگی بهتر را بر گور امپریالیسم و مزدورانش در

اردوغان باید هزینه... که وی به برنامه آموزش و تجهیز کردن نیروهای مخالف مسلح و منطقه امن اشاره کرده و گفته است: "کسانی هستند که منطقه امن را منطقه حائل تفسیر می کنند و این چیز اشتباهی است زیرا یک منطقه خالی از تروریسم قلمداد می شود تا سوری ها در صورتی که این منطقه به وجود آید به آن منتقل شوند و در آن زندگی کنند".

به گزارش دویچه وله، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه روز شنبه ۲۴ اکتبر (۲ آبان) در سخنرانی ای که در جنوب ترکیه داشت گفت کردها قصد دارند کنترل شمال سوریه را در دست بگیرند اما آنکارا اجازه نخواهد داد این اتفاق روی دهد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، اردوغان الحاق شهر تل ابیض در شمال سوریه به منطقه خودمختار کردها را محکوم کرده و گفت: "چیزی که آنها می خواهند، به دست گرفتن کنترل شمال سوریه به طور کامل است. ما تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهیم داد که شمال سوریه قربانی فریبکاری آنها شود چرا که این به منزله یک تهدید برای ما خواهد بود و غیرممکن است که ترکیه به این تهدید "آری" بگوید".

به این ترتیب وضعیت منطقه و هراس اردوغان و آمریکا با شکست داعش روشنتر دیده می شود. ترکیه که با همه همسایگان خود درگیر است و به خرابکاری و حادثه آفرینی مشغول است، تروریسم را تقویت می کند و منطقه را به خون می کشد. شکست ترکیه و عربستان سعودی شکست آمریکا و تروریسم در منطقه

### مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۱۴ دی ماه ۱۳۹۴ منتشر شد

#### آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند

در این شماره مطالب زیر را می خوانید:

گسترش اعتراضات کارگران علیه سیاستهای نئولیبرالی- شانزده آذر روز مقاومت دانشجویان و گزارش از تظاهرات دانشجویان در دانشگاه تهران- پیام تبریک به مناسبت سال نو میلادی- راهپیمایی با شکوه در امستردام بر علیه رژیم فاشیستی ترکیه و در همبستگی با خلق کرد- کودتای خزنده اولاند و شرکاء در فرنگستان- درحاشیه پیروزی عوامل امپریالیسم در انتخابات اخیر درونزوئلا- گشت و گذاری در فیسبوک - پاسخ به چند سؤال

شماره ۱۱۴ دی ماه ۱۳۹۴ ژانویه

۲۰۱۶

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)

سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در توییتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

درحاشیه اقدامات تروریستی دولت ترکیه

## اردوغان باید هزینه سیاست های توسعه طلبانه و نژادپرستانه خود را در منطقه بپردازد

خلقه‌های ایران، ترکیه، سوریه و عراق باید برادرانه بر ضد پان ترکیسم، پان اسلامیم و پان ایرانیسم متحد شوند

دیروز سه شنبه ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵ دولت اسلامیست و پان ترکیست ترکیه متشنج از استیصال و با حمایت روشن امپریالیسم آمریکا و شیوخ عربستان سعودی در مبارزه ضد تروریسم در سوریه به اخلاص دست زد و هواپیمای جنگنده روسی را در فضای سوریه مورد اصابت موشک قرار داد.

این اقدام دولت تروریستی اردوغان که با تخیلات عثمانی بزرگ در منطقه عمل می کند و حامی روشن داعش در منطقه است موجب شد که دیگر دست وی در بازی با تروریسم و همدستی با داعش رو شود.

سیاست ترکیه بزرگ و اخلاص در امور داخلی سایر کشورها در منطقه با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است و این نشانه کوتاه بینی سیاسی رهبران کنونی ترکیه است. آنها با گسیل پناهندگان سوری به اروپا در پی آن بودند که با تحت فشار قرار دادن ممالک اروپائی، آنها را با سیاست خویش مبنی بر سرنگونی حکومت مشروع و قانونی بشار اسد همراه کرده و چنین وانمود کنند که تنها با سرنگونی اسد و دخالت نیروهای ناتو و حمایت آشکار آنها از داعش، امکان جلوگیری از حضور پناهندگان به اروپا وجود دارد. این دسیسه ضد انسانی رجب طیب اردوغان که به یک عامل تحریک و جنگ و تخریب در منطقه بدل شده است با مخالفت کشورهای اروپائی روبرو شد و کار سیاست کوتاه بینانه رجب طیب اردوغان را به بن بست کشانید. وی از ممالک اروپائی تقاضای باج کرد تا مانعی در جلوی سیل هجوم پناهندگان به اروپا ایجاد کند. باجی که وی می خواست ۳ میلیارد یورو بود.

پیروزیهای ارتش سوریه بر مزدوران داعش با بمباران مواضع آنها از طریق روسیه هر روز با موفقیت بیشتری روبرو می شود. پیشروی ارتش سوریه در تمام مناطق اشغالی مردم را به مقاومت واداشته و نیروهای مزدور داعش فرار را بر قرار ترجیح می دهند و نمی خواهند کشته شده به بهشت بروند. این است که دسته دسته به سرزمینهای مادری خویش باز می گردند. این تروریستهای آموزش دیده توسط دولتهای امپریالیستی تروریست، حال به جان آموزگاران سابق خود افتاده و ترور وحشی خویش را به ممالک مادر تسری داده اند. فرانسه قربانی تروریسم خود شده است و علیرغم این از دخالت در امور منطقه دست بر نمی دارد. از این ترور، سایر ممالک امپریالیستی که تا دیروز زیر بال داعش را برای کشتار سیصد هزار نفر در منطقه گرفته بودند در امان نخواهند ماند. ترکیه در آینده نزدیک خودش یکی از قربانیان تروریسم خواهد بود. جنگنده های روسی تمام مواضع مزدوران داعش را در هم می کوبند و آنها را تار و مار کرده اند. روسها در مذاکرات اخیر توسط تصاویر فضائی خود ثابت کردند که داعش نفتهای دزدیده شده از عراق و سوریه را با قیمت نازل به دولت ترکیه می فروشد و ترکیه آنها را به سایر خریداران غارتگر با بهای مناسب به فروش می رساند. پیروزی مردم سوریه به رهبری بشار اسد بر ضد داعش و دسیسه های جهانی باب طبع ترکیه و آمریکا و عربستان سعودی نیست. آنها در کار ... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party  
of Labour of Iran

No. 190 Jan. 2016

مستخرجی از:

### بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته ای در وین (۶)

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در بن بست

وضعیت کنونی ایران تا مدتی به همین صورت کنونی باقی می ماند. رفع محاصره اقتصادی به مرور و با اشاره امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد. او با ما باید راستی آزمائی ایران را تأیید کند و این تأییدیه را به امضای جرج بوش نیز برساند. شاهد روباه دمش است. آنوقت بتدریج تحریمها تقلیل پیدا می کند. حتی اگر تحریمات را بر دارند هنوز به معنی تحول عملی در زندگی اقتصادی و مالی ایران نیست. تاسیسات صنعتی و یا وسایل یدکی و یا ناوگان هوائی که باید برای ایران خریداری شوند، در انبارهای ممالک امپریالیستی در زیر غبار قرار ندارند تا فوراً به ارسال آنها اقدام کنند. آنها را نخست باید تولید کرد و در بر اساس انعقاد پیمانهای اقتصادی آتی به ایران ارسال نمود. این امر... ادامه در صفحه ۵

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی  
Postbank Hamburg  
BLZ: 20110022  
KontoNr.: 2573302600  
Germany

آدرس  
Toufan  
Postfach 103825  
60108 Frankfurt  
Germany